



Identification and Reconsideration of the Documentary Foundations of the “Right to Resistance” In Light of the Analysis of Religious Evidence and Sources

Mohammad Zobdeh

PhD Candidate, Department of Islamic Jurisprudence and Principles of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran; Visiting Lecturer at Bozorgmehr University of Qaenat

Mohammadreza Hosseini

Professor, National Security Research Institute, National Defense University and Research Institute of Strategic Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: rezahsn88@gmail.com

Seyyed Amir Mohammad Aboutorabi

University Lecturer, Secretary of the Law and Diplomacy Group, National Security Research Institute, National Defense University and Research Institute of Strategic Studies, Tehran, Iran.

Ali Mohammadiyan

Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran

Abstract

Today, the significance of the culture of resistance in the general response of people to contemporary issues and in countering and defeating adversaries' conspiracies has become increasingly prominent and central. Therefore, one of the necessities of the present era is the reconsideration of the documentary foundations of this concept in order to reveal its capacity to address contemporary social and political needs. This article seeks to answer this question and, with the aim of identifying and analyzing the foundations of the right to resistance, adopts a descriptive-analytical and problem-oriented approach. By referring to religious sources and scholarly works, the study attempts to identify and examine the legal and religious foundations of the right to resistance. The findings of the research indicate that in the Holy Quran, the teachings that refer to jihad (both defensive and offensive) can be incorporated within a broader concept entitled “defensive jihad (Jihad al-Dhabbi).” Examination of narrations also demonstrates that certain reports in the relevant chapters indicate the necessity of “defense (Dhab)” and the protection of the integrity of Islam and Muslims as a religious legal obligation. Furthermore, the right to resistance is supported by rational approval, and the “conduct of the rational people” (Bina al-Oqala) can be regarded as one of the religious foundations of this concept. In addition, the “objectives of Islamic law” (Maqasid al-Sharia) and the “spirit and understanding of Islamic law” (Mazaq al-Shar‘) are among the supporting principles that validate resistance.

Keywords: Defensive Jihad (Jihad al-Dhabbi), Right to Resistance, Defense, Jurisprudence of Resistance, Holy Quran, Resistance





فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی

سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۵۹)، تابستان ۱۴۰۴، صص. ۲۵۳-۲۸۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

مقاله پژوهشی

شناسایی و بازخوانی مستندات «حق بر مقاومت» در پرتو تحلیل ادله و مستندات شرعی

محمد زبده

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ مدرس مدعو دانشگاه بزرگمهر
قائانات

محمد رضا حسینی

استاد پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: rezahsn88@gmail.com

سید امیر محمد ابوترابی

مدرس دانشگاه، دبیر گروه حقوق و دیپلماسی، پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

علی محمدیان

دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر، قائانات، قائن، ایران

چکیده

امروزه اهمیت فرهنگ مقاومت در مواجهه عمومی مردم با مسائل روز و شکست توطئه‌های دشمنان بیش از پیش برجسته شده و نقش محوری یافته است؛ بنابراین یکی از ضرورت‌هایی که در عصر حاضر مطرح است، بازخوانی مستندات این مقوله در راستای آشکارسازی ظرفیت آن در پاسخ به نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی روز است. نوشتار حاضر در پی پاسخ به پرسش مزبور و با هدف شناسایی و تحلیل مستندات حق بر مقاومت، در پژوهشی توصیفی-تحلیلی و با نگاهی مسئله‌محور، درصدد است با مراجعه به منابع و مکتوبات شرعی، به شناسایی و تحلیل مستندات حق بر مقاومت بپردازد. رهاورد پژوهش نشان می‌دهد در قرآن کریم آنچه دلالت بر جهاد (چه دفاعی و چه ابتدایی) دارد، می‌توان آن‌ها را در قالب وسیع‌تری تحت عنوان «جهاد ذبی» گنجانده. تنبّع در روایات نیز حکایت از آن دارد که از پاره‌ای از اخبار باب می‌توان لزوم «ذبّ» و دفاع از کیان اسلام و مسلمانان را یک حکم مولوی شرعی قلمداد نمود. افزون بر آنکه حق بر مقاومت مستظهر به موافقت عقلا بوده و «بنای عقلا» می‌تواند در ردیف مستندات شرعی موضوع تلقی گردد. «مقاصد شریعت» و «مذاق شرع» نیز از جمله مؤیداتی هستند که بر مقاومت صحه می‌گذارند.

کلیدواژه‌ها: جهاد ذبی، حق بر مقاومت، دفاع، فقه مقاومت، قرآن کریم، مقاومت

دانشگاه عالی دفاع ملی ♦ پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی / فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی



<https://smsnds.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 2980-8413



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

نظام فکری اسلامی که سرانجام آن اقدام و رفتار است، مبتنی بر مبانی ایدئولوژیک است که آن‌ها را می‌توان از لابه‌لای معارف و آموزه‌های دینی استخراج نمود. یکی از ایدئولوژی‌هایی که در اسلام از اهتمام ویژه‌ای برخوردار است، «مقاومت» نام دارد. آنچه امروزه به سبب اقدامات مجاهدان و مبارزان فلسطینی و در بُعد وسیع‌تر جبهه مقاومت بر سر زبان‌ها افتاده است، بررسی ابعاد «فقه مقاومت» و حق‌انگاری آن است. تتبعات در منابع استنباط احکام اسلامی نشان می‌دهد شناسایی مقاومت به‌عنوان یک حق و بالاتر از آن، یک تکلیف الهی یک امر غیرقابل کتمان بوده و پیشینه آن به وسعت تاریخ اسلام است. این ادعا از آن روست که آموزه‌های اسلامی بر حفظ استقلال و موجودیت مسلمانان و ممانعت از نفوذ، تسلط و تجاوز بیگانگان و مستکبران پافشاری دارد (نوریان و سرخیل، ۱۳۹۸، ۲۸۸). چنان‌که آیاتی مانند آیه نفی سبیل «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) که در سیاست خارجی حکومت اسلامی بسیار اثرگذار است (کیانخواه، ۱۳۹۹، ۳۸۷)، مدعای نگارندگان را نمایان می‌سازد.

مفهوم «حق بر مقاومت» را می‌توان در خلال مباحثی که قرآن مجید در فرازهای متعدد بر پیامبر اسلام (ص) نازل کرده و ایشان را برای رسیدن به اهدافش امر به مقاومت و پایداری نموده، یا به ایشان رسیدگی به امر مظلومان را به‌عنوان یک تکلیف الهی معرفی نموده، مشاهده نمود. در بسیاری از آیات خداوند مقاومت را به‌عنوان ابزاری جهت پیروزی بر دشمن (بقره: ۲۵۱)، دریافت امدادهای الهی (فصلت: ۳۱) و مانند آن قرار داده است. برای مقاومت می‌توان اقسامی را برشمرد که ازجمله آن‌ها مقاومت در حفظ اعتقادات است؛ آن‌چنان‌که از آیه ۴۰ سوره مبارکه حج و آیات فراوان دیگر می‌توان این معنا را دریافت نمود. قسم دیگر مقاومت، مربوط به ابعاد اخلاقی است که در آیات ۱۴۶ و ۱۴۸ آل عمران و ۳۰ فصلت بدان اشاره شده است؛ اما قسم مورد نظر، شاخه سوم از مقاومت با عنوان «مقاومت از برای اساس دین» و «لزوم دفاع از مستضعفان و مظلومان» تعریف می‌گردد. پژوهش حاضر با این هدف تدوین شده است که با بررسی مستندات مقاومت، این موضوع را در قالب یک حق مشروع مورد



تبیین و شناسایی قرار دهد. از این رو سعی خواهد شد به این سؤال که آیا حق بر مقاومت دارای وجاهت شرعی است پاسخی مناسب داده شده و مقاصد شریعت در این زمینه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

ناگفته نماند در اهمیت موضوع باید گفت حق بر مقاومت، یک حق بشری تقریباً پذیرفته شده جهانی محسوب می‌شود؛ لکن دامنه و محتوای آن بحث‌برانگیز باقی مانده است. بنابراین می‌توان گفت حق مقاومت، بسته به این که چگونه تعریف گردد، می‌تواند به انحاء و اشکال گوناگونی در برابر یک دولت ظالم یا متخاصم مورد کاربست قرار گیرد که پژوهش حاضر درصدد تعیین ویژگی‌ها و بایسته‌های آن از منظر آموزه‌های دینی است. بر این سامان، لازم می‌نماید مستندات شرعی این حق ذاتی بازخوانی شده و مورد تحلیل قرار گیرد. به علاوه مواجهه جوامع اسلامی و عموم مردم با توطئه‌های دشمنان، بر اهمیت بحث می‌افزاید. از همین رو، ضرورت اتخاذ سیاست راهبردی مستحکم برای دستیابی به اهداف و آرمان‌ها توسط حکومت اسلامی غیرقابل انکار است. این راهبرد مستحکم در زبان قرآن کریم و سیره معصومین^(ع) با عنوان مقاومت و مشتقات آن آمده است که پژوهش به تبیین آن می‌پردازد.

۱. پیشینه پژوهش

مطابق با اهمیت مسئله مقاومت در عصر حاضر، محققان و فقیهان معاصر درصدد تبیین مقاومت و مفاهیم هم‌راستا با آن برآمده‌اند؛ اما تتبعات نمایانگر آن است که تحقیقی مجزا با محوریت شناسایی ادله و مستندات «حق بر مقاومت» تاکنون به رشته تحریر درنیامده است. با این حال یکی از فقیهان معاصر به تبیین یکی از الگوهای اصلی فقه مقاومت یعنی جهاد ذبی همت گماشته است که در تبیین مستندات آن به برخی ادله‌ای استناد نموده که در شمار مدارک حق بر مقاومت نیز قرار دارد (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱: ۹۱-۹۳). برخی نیز به پدیده مقاومت در قرآن (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ۶۹-۹۷) و در حقوق بین‌الملل (حبیب‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۲۵-۸۵۴) اشاراتی نموده‌اند که شایسته توجه و تقدیر است؛ اما شناسایی مقاومت به عنوان یک حق و چه بسا تکلیف در فقه اسلامی تا به حال مورد تفقد واقع نشده

است. با وجود این، در تحقیق حاضر نگارندگان برآنند تا به صورت خاص مستندات حق بر مقاومت را مطمح نظر قرار دهند. این امر به سبب ضرورت آن و در پاسخ به نیازمندی‌های اجتماعی و سیاسی است.

۲. چهارچوب مفهومی پژوهش

برای آشنایی با مفاهیم مرتبط با بحث حاضر به ریشه‌یابی آن‌ها می‌پردازیم تا اشتراکات و افتراقات آن‌ها روشن گردد؛ به همین مناسبت ابتدا به واژه مقاومت و حق پرداخته خواهد شد و پس از آن «جهاد» و «دفاع» تبیین می‌گردد.

۲-۱. حق

از ریشه حَقَّ و ضد باطل است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۶/۳؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۲/۲۸۶؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۴/۱۴۶۱). در معنای لغوی آن دو معنا ذکر شده است؛ یکی به معنی استواری و استحکام و سلطنت (جوهری، ۱۴۱۰، ۴/۱۴۶۱؛ احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ۲/۱۶؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۳/۱۲۹۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰/۵۵) و دیگری به معنی موافقت و مطابقت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۴۶). ابن منظور علاوه بر آنکه آن را به معنی استحکام دانسته و شاهد مثال را عبارت «ثوب محقق» به معنی بافت محکم آورده، معنای ثبوت را برای حق آورده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰/۵۵). همچنین به عنوان یکی از اسماء یا اوصاف خداوند است؛ چه آنکه خداوند بذاته و صفاته غیرقابل زوال است (قرشی، ۱۴۱۲، ۲/۱۶۰)؛ طریحی نیز وجه تسمیه حق به عنوان یکی از اسماء باری تعالی را از آن رو دانسته است که امر او همه حق بوده و باطل در آن راه ندارد (طریحی، ۱۴۱۶، ۵/۱۴۷)؛ اما قرشی وجه تسمیه را با توجه به آنکه ذات، اوصاف و افعال خداوند همه حق است و مطابق واقع و در موقع خود است معنا کرده و معنی «مطابقت» برای حق را صحیح دانسته است (طریحی، ۱۴۱۲، ۲/۱۶۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد این حق و مشتقات آن ۲۸۷ مرتبه در قرآن استعمال شده است. در اصطلاح فقهی نیز می‌توان حق را مرادف با معنای لغوی آن به‌ویژه «سلطنت» دانست؛ چنان‌که شیخ



انصاری و مرحوم خویی و دیگران از این عبارت در تعاریف خود استفاده نموده‌اند (همدانی، ۱۴۲۰، ۲۵۲؛ خویی، بی‌تا، ۲۱۸/۶). شهید بهشتی معتقد است بنا به یک تعبیر و تفسیر، حق به معنای این است که هر چیزی در جای خود باشد؛ بدین معنا که هر چیزی جایگاهی دارد و در صورتی می‌گوییم چیزی حق است که در جای خود باشد و در صورتی می‌گوییم باطل که در جای خود نباشد و از این حیث اخلاق، حقوق، شرع و سایر امور و موضوعات، با مقوله حق و حقیقت ارتباط پیدا می‌کنند (بهشتی، ۱۳۸۶: ۳۳).

۲-۲. مقاومت

از ریشه قَوَمَ در معانی مانند استواری، راستی، پایداری، راست شدن و راست ایستادن، قرار داشتن در راه راست و بدون گرایش به انحراف پیدا کردن و ایستادن آمده است (زمخشری، ۱۳۹۹، ۵۳۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۲). واژه مقاومت مصدر باب مفاعله و گرفته شده از فعل ثلاثی مجرد «قام» است. در ادبیات عرب، صرفیون معنای غالب باب مفاعله را «مشارکت» دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۶: ۱۷۴). بر بنیاد معنای لغوی و استعمال آن در باب مفاعله در تبیین مقاومت، می‌توان آن را مشارکت دست جمعی و گروهی عده‌ای یا تشکیل جبهه واحد به‌منظور حرکت و دنباله‌روی برای دستیابی به هدفی خاص و مشترک و ایستادگی در مقابل جبهه یا گروه دیگر دانست (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱: ۹۷).

در پژوهش حاضر، با توجه به این‌که مراد نگارندگان از مقامت در مفهوم دینی آن و بررسی آن به‌عنوان یک حق برای مسلمان و جامعه اسلامی است، معنای مورد نظر «ایستادگی در برابر هژمونی استکباری و مشارکت آحاد جامعه اسلامی در این امر است». از این رو پارادایم مقاومت را می‌توان به‌عنوان یک راهبرد در عرصه‌هایی همچون امنیت، اقتصاد، فرهنگ و رویکردهای نظامی مورد بررسی قرار داد. مشتقات این مفهوم در قرآن فراوان یافت می‌گردد. از جمله می‌توان به آیه ۱۱۲ هود «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّنْ تَابٍ مَّعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا» و آیه ۶ سوره مبارکه فصلت «فَاسْتَقِمْوا إِلَیْهِ» و آیات دیگری اشعار داشت. سیر در آیات قرآن نشان می‌دهد خداوند صبر و استقامت را مهم‌ترین دلیل برای پیروزی پیامبر^(ص) و یاران ایشان در

نبردها معرفی نموده است (فیروزجائی و محمدی‌ضیاء، ۱۳۹۹: ۳۶).

۲-۳. جهاد

جهاد به‌عنوان یکی از احکام عبادی و فروع دین اسلام، از ریشه «جَهَدَ»، به معنای مشقت (احمدبن‌فارس، ۱۴۰۴، ۱/۴۸۶) و کوشیدن (غفاری و پاکتچی، ۱۳۹۸، ۹/۱۴۹) و جدیت به خرج دادن برای کاری به‌کاررفته است (جوهری، ۱۴۱۰، ۲/۶۷۰). جهْد به ضم فاء‌الفعل، در لسان اهل حجاز به‌کاررفته و در السنه دیگر به فتح آن به‌کار برده شده است (فیومی، بی‌تا، ۲/۱۱۲؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲/۱۲۷)؛ برخی جهد به ضم فاء‌الفعل را به طاق و به فتح آن را در معنای مشقت معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۰۸؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۳/۳۰؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۴/۴۰۷). برخی نیز آن را به هر دو خوانش فتح و ضم به معنی طاق دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۱۰، ۲/۶۷۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۰۸؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۲/۱۹۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۳/۱۳۳؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲/۱۲۷). مصدر جهاد و مجاهده در باب مفاعله به‌کاررفته و مؤید یک رابطه طرفینی است و با توجه به معنی لغوی آن یعنی کوشش و تلاش، نمایانگر رویارویی یک طرف با طرف دیگر است (پاکتچی، ۱۳۸۰: ۴). اصطلاح «جهاد» در تراث فقهی به معنای جان و مال و عرض را در راه اسلام و شعائر دینی فدا کردن معنا شده است (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳، ۲۱/۳). به عبارتی جهاد دربردارنده انواع بذل جان و مال در مسیر اعتلای اسلام و اقامه شعائر دینی است (ابن‌قدامة، بی‌تا، ۱۰/۳۸۵). باید از جهاد به‌عنوان یکی از ابواب اصلی فقه اسلامی نام برد (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۲). برای جهاد اقسام مختلفی برشمرده شده است که ازجمله آن می‌توان به جهاد «ابتدایی» و «دفاعی» نام برد. در ابتکاری جدید یکی از فقیهان معاصر افزون بر دو مورد مذکور، قسم دیگری بر اقسام جهاد با عنوان «جهاد ذبی» افزوده است (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱: ۹۶)؛ ایشان معتقد است جهاد و تمامی اقسام آن در زمره مباحث اصلی «فقه مقاومت» قرار دارد و مرتبط‌ترین قسم جهاد با مقاومت «جهاد ذبی» است. آیت‌الله فاضل لنکرانی جهاد ذبی را از ظاهر عبارات فقیهان برداشت نموده و آن را یکی از اقسام جهاد و در مقابل جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی قرار داده است؛ او اعتقاد



دارد جهاد ذبی، نظریه‌ای در باب جهاد است که به معنای دفاع از موجودیت اسلام و ارزش‌های دینی است. براساس این نظریه، جهاد ذبی فقط برای حفظ اسلام است؛ بنابراین اگر از جانب ستمگری، در هر نقطه‌ای از جهان، ترس نابودی اسلام وجود داشته باشد؛ در این صورت دفاع از کیان اسلام بر همه مسلمانان واجب عینی است. جهاد ذبی، برخلاف جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی، مشروط به هیچ شرطی نیست و اگر کسی در این راه کشته شود، شهید شمرده شده و احکام شهدا بر او جاری می‌گردد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۴ ش: ۱۵).

در باب «ذَبَّ» باید بیان داشت که از ریشه ذَبَبَ، در لغت به معنی دفاع و منع (طریحی، ۱۴۱۶، ۳۰/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۳۸۰/۱) و طرد (زبیدی، ۱۴۱۴، ۴۹۱/۱؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲۹۴/۳) آمده است. این واژه ۵ مرتبه در نهج البلاغه در همین معنا به کاررفته است؛ چنان‌که علی علیه‌السلام در نبرد صفین به یارانش فرمود «وَأَيُّ أَمْرٍ مِنْكُمْ أَحْسَنُ مِنْ نَفْسِهِ رِبَاطَةً جَاشٍ عِنْدَ اللَّقَاءِ وَرَأَى مِنْ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِهِ فَشَلَّاءَ فَلْيَذْبُ عَنْ أَخِيهِ بِفَضْلِ نَجْدَتِهِ الَّتِي فَضَّلَ بِهَا عَلَيْهِ كَمَا يَذْبُ عَنْ نَفْسِهِ»، یعنی هرکدام از شما که در هنگام نبرد با دشمن احساس قوت قلب کرد و در یکی از برادران (دینی) خود احساس سستی نمود باید با اتکا به نیرویی که خداوند به او عطا کرده از او دفاع نموده و دشمن را براند و چنان‌که از خود دفاع می‌نماید. (نهج البلاغه علی، ۱۴۱۴: ۱۴۲). بر مبنای واژه‌شناسی که بیان گردید، مراد از جهاد ذبی، دفاع از اساس دین درجایی که با خطر نابودی مواجه است، است (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱: ۹۰).

۲-۴. دفاع

دفاع از ریشه فعل ثلاثی مجرد «دَفَعَ» به معنای حمایت، یاری، ازاله، کنار زدن، دفع کردن، دور کردن، رد کردن، منع نمودن و مانند آن به کاررفته است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۴۵/۲؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ۴۲۷/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۱۶؛ ابن اثیر جزری، بی‌تا، ۱۲۴/۲؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۳۲۵/۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۱۵/۱۱). راغب در واژه‌شناسی «فادفعوا» در آیه ۷ سوره مبارکه نساء «فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ...»، معتقد است که دفع با «الی» متعدی شده معنای «دادن»

می‌دهد و در صورتی که با «عن» بیاید معنای حمایت و یاری می‌دهد؛ چنان‌که در آیه ۳۸ سوره مبارکه حج «إِنَّ اللَّهَ يَدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» به این معنا آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۱۶؛ قرشی، ۱۴۱۲، ۳۵۰/۲). دفاع مصدر باب مفاعله است که مانند کلماتی که پیش‌تر گذشت حاوی معنای مشارکت است و نمایانگر آن است که دفاع زمانی مصداق پیدا می‌کند که دو طرف وجود دارد که یکی در مقام مهاجم و دیگری به‌عنوان مدافع حضور دارد؛ بنابراین می‌توان آن را به معنی دفع و کنار زدن مهاجم دانست. واژه «دفاع» عموماً در مباحث فقه کیفری یعنی ابواب جهاد و حدود کاربرد دارد. دفاع براساس موضوع آن دارای اقسامی است که با تتبع در آرا فقیهان می‌توان بدان دست یافت. چنان‌که برخی به‌طور کلی دو قسم را برای آن احصا کرده‌اند؛ قسم نخست «دفاع از بیضه الاسلام و به‌طور کلی سرزمین اسلامی» و قسم دیگر آن «دفاع فرد از خود و آنچه به‌منزله آن» است، نام برد (مشکینی، بی‌تا، ۲۴۵). مقصود از «آنچه در حکم آن» را باید دفاع از حریم، مال و ناموس دانست (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳، ۶۵۰/۴۱). ذکر این نکته لازم است که بیشتر این واژه در مباحث نظامی کاربرد دارد و فقها از آن در باب تبیین یکی از اقسام جهاد یعنی جهاد دفاعی احکام بسیاری بیان نموده‌اند. چنان‌که امام خمینی در بیان وجوب دفاع در مقابل دشمنی که به سرزمین اسلامی و مرزهای آن هجوم آورده و به این سبب ترس از بین بردن اسلام و سرزمین اسلامی می‌رود، بر همه مسلمانان دفاع در مقابل دشمن را واجب دانسته است (امام خمینی، بی‌تا، ۴۸۵/۱). فقیهان در تبیین وجوب دفاع از بیضه الاسلام و دفاع از جان، مال و ناموس، فراوان قلم زده‌اند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ۳/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸؛ ۱۷۶/۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۳۸۴/۵؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۴۹/۱۵؛ محقق سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۵۷/۲۸).

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس مفروضات معرفت‌شناسی یافته‌ها، از نوع تحقیق «کیفی» بوده و از لحاظ هدف تحقیق نیز «بنیادین» است. براساس ماهیت پژوهش نیز «توصیفی-تحلیلی» است. ابزار گردآوری داده‌ها بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی در کنار محتوای



نرم افزارهای علمی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی مؤسسه نور است؛ بدین صورت که بعد از رجوع به منابع مذکور و فیش برداری از آن‌ها و همچنین بهره‌مندی از دیدگاه اندیشمندان و تحلیل محتوای این دیدگاه‌ها، سعی در پاسخ به سؤالات پژوهش می‌شود.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

تأمل در مسائل مبتلا به جوامع اسلامی در عصر حاضر به‌ویژه درگیری‌های طولانی مدت فلسطین و اشغال آن توسط رژیم اسرائیل، توجه به مفهوم مقاومت و حق یا تکلیف‌انگاری آن را بسیار دارای اهمیت می‌نماید. به همین سبب، نوشتار درصدد بازخوانی و تحلیل مستندات حق بر مقاومت در پرتو منابع و مستندات شرعی است؛ بدین منظور با مراجعه به منابع دست اول اسلامی یعنی آیات قرآن کریم و روایات معصومین^(ع) و همچنین بنای عقلا، نسبت به این امر اهتمام ورزیده است. همچنین مقاصد شریعت و مذاق شرع انور، بر مشروعیت حق بر مقاومت صحه می‌گذارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد مقاومت براساس آیین اسلامی نه تنها یک حق، بلکه به‌عنوان یک تکلیف شرعی است؛ این امر با وجود تحقق شرایطی همچون در معرض خطر قرار گرفته کیان اسلام و یا اشغال سرزمین‌های اسلامی و اموری مانند آن، آشکار می‌گردد. بدین منظور مدارک و مستندات مقاومت به‌صورت مبسوط مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. ادله و مستندات حق بر مقاومت

مبحث اصلی تحقیق، شناسایی ادله‌ای است که به استناد آن می‌توان قائل به مشروعیت مقاومت و حق دانستن آن شد. به نظر می‌رسد برای اثبات مشروعیت مقاومت در منابع استنباط احکام اسلامی، باید در پی مستنداتی بود که اشاره به لزوم دفاع از کیان اسلام و توابعش دارد، پرداخت. این از آن جهت است که نگاهی به آیات قرآن و روایات نشان می‌دهد آنچه موجب اضمحلال و نابودی دین است باید در مقابل آن ایستادگی کرد و با تمام بنیه برای از بین بردن آن تلاش نمود. از این رو باید اذعان داشت تمام ادله‌ای که مبین وجوب دفاع از دین و استقامت و پایداری در مقابل دشمنان وارد شده را می‌توان برای این مسئله

مورد اشاره قرار داد. با توجه به این که ذکر کامل و بی نقص آن نیاز به تحقیقی فرای پژوهش حاضر داشته و افزون بر آن انجام مدقانه آن نیاز به اجتهاد و قلم پُربار فقیهان معظّم دارد، تنها سعی می گردد مرتبط ترین مستندات مورد بررسی قرار گیرد و در حد وسع نگارندگان به تحلیل آن ها پرداخته شود. در ادامه به شرح برخی از این مستندات می پردازیم.

۲-۴. آیات قرآن

در آیات متعددی می توان امر به استقامت و ایستادگی در مقابل دشمنان و کسانی که به سرزمین های اسلامی بیم تعرض آن ها می رود را می توان دید. پس از اشاره به برخی از این آیات، به این نکته اشاره خواهیم نمود که شارع متعال مقاومت را در برخی از موارد مانند زمانی که کیان دین در خطر است، نه تنها حق بلکه به عنوان تکلیف قرار داده است؛ مستفاد از این بیان شارع آن است که، مقاومت در شمار احکام مولوی شرعی قرار داد.

۱-۲-۴. آیه ۷۵ نساء

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»، یعنی: «چگونه است که در راه خدا و (برای نجات) مردان و زنان و کودکان مستضعف پیکار نمی کنید؛ آن کسانی که می گویند بارالهی؛ ما را از این شهر (مکه) که مردمانش ستمکارند خارج کن و برای ما از جانب خود ولی و رهبری قرار ده و برای ما یابوری از نزد خودت تعیین بفرما.» شأن نزول آیه، آزار و اذیت عده ای از مسلمانان که پس از هجرت پیامبر (ص) به مدینه از همراهی او بازماندند، است. این آزار به حدی رسید که ایشان به طور مداوم از خداوند طلب رفع این گرفتاری ها و رنج ها را داشتند؛ در اثنای همین درخواست ها آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء نازل شد و عموم مسلمانان از مهاجر تا انصار را به دفاع از مسلمانان مستضعف مکه، فراخواند. محمد بن عمر رازی عبارت «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ» را حمل بر وجوب جهاد نموده است (رازی، ۱۴۲۰، ۱۰/۱۴۱). دیگر مفسران نیز معنای وجوب جهاد را از این آیه برداشت نموده اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳/۱۱۶؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ۴/۴۱۹ و ۴۲۰). برخی از مفسران نیز به صراحت اذعان داشته اند که جهاد و دفاع از «الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ



وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» که در آیه آمده و عطف به «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» شده است، یکی از مظاهر و مصادیق بارز سبیل الله است (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱/۲۷۰؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ۴/۴۱۹)؛ براین اساس می‌توان بیان داشت آیه شریفه با گسترش دامنه جهاد مفهوم «ذبّ» و دفاع از مسلمانان را در کنار دفاع از اساس دین قرار داده و آن را به‌عنوان یک عمل واجب برای مسلمانان شناسایی کرده است. طبرسی در مجمع‌البیان و علامه طباطبائی در المیزان به این مهم اشاره نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳/۱۱۷؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ۴/۴۱۹)؛ بنابراین در اثبات مدعا یعنی وجود دفاع به‌عنوان یکی از مظاهر مقاومت بر مبنای آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء امری مبرهن است.

۲-۲-۴. آیات ۲۵۰ و ۲۵۱ بقره

آیات مزبور در واقعه مربوط به طالوت و جالوت نازل شده است، خداوند در آیات مزبور خطاب به مؤمنان گوشزد می‌نماید که چنانچه مفسدان را به‌وسیله افراد صالح دفع نمی‌نمود، آنان با حاکمیت در زمین به فساد در آن و نابود کردن نسل‌ها و به تبع آن صالحین می‌پرداختند؛ اما خداوند فساد مفسدان را با یاری دادن انسان‌های صالح و استقامت و شکیبایی ایشان دفع نموده است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ». براین اساس باید جهاد و مقاومت را دو بازوی خداوند در زمین برای دفع فساد مفسدان به‌وسیله مؤمنان دانست. در آرای مفسران نیز درباره «وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...»، نیز تحلیلی که گذشت به چشم می‌خورد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲/۶۲۱؛ راوندی، ۱۴۰۵، ۱/۳۴۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ۱/۲۲۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱/۲۹۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ۱/۱۵۲). با توجه به آنکه فساد مفسدان در بسیاری از اوقات می‌تواند موجب تضعیف جایگاه شعائر دینی گردد، بی‌تردید مقاومت در برابر آنان و دفاع از شعائر از ملزوماتی است که از آیه استنباط می‌گردد؛ قیام امام حسین (ع) در مقابل فساد یزید که احکام و شعائر دینی را بازیچه اغراض خود قرار داده بود، نمونه بارز از استدلال مزبور است.

۲-۳-۴. آیه ۱۹۳ بقره

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...» (بقره: ۱۹۳)؛ یعنی «با کافران به قتال

بپردازید تا آنگاه که فتنه و شرک از [روی زمین] محو شود و تنها دین خداوند حاکم گردد.» در معنای «فتنه» در آیه مفسران آن را در اصطلاح قرآنی «کفر و شرک» معنا کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ۱۱۳/۲؛ جصاص، ۱۴۰۵، ۳۲۴/۱). درستی این تعبیر از «فتنه» در آیه می‌توان به عبارت «يَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ» اشاره نمود، چه این بخش از آیه قرینه مقابله است بر آن که فرجام قتال و مبارزه با فتنه، از بین رفتن کفر است. این دستور به قتال از آن روست که دفاع از ساحت دین نیازمند مقابله با کفر و شرک به خداوند است و با فقدان ذب از دین و استیلاي شرک، چه بسا زمینه‌های نابودی دین فراهم آید. برخی از مفسران معاصر در تفسیر آیه مورد نظر بیان نموده‌اند که مطابق با آنکه آیه درصدد تشریح وجوب مقاتله و دفاع در مقابل کسانی است که متعرض کيان دین شده‌اند؛ چنانچه کسی معتقد به این باشد که از آیه جهاد ابتدایی استظهار می‌گردد؛ در پاسخ باید اذعان داشت، اولاً جهاد ابتدایی در آیه به مثابه جهاد دفاعی است و تقسیم جهاد به دفاعی و ابتدایی بر مبنای نوع هجوم دشمن است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ۲۳ و ۲۵). بر این بنیاد، هدف از جهاد و پیکار در اسلام، کشورگشایی و خون‌ریزی نبوده، بلکه این مهم به منظور مقابله با انحرافات است که ساحت دین را در معرض خطر قرار می‌دهد. همین بر حقانیت مقاومت در راه حفاظت از کيان اسلامی است و آن را در نظر شرع انور مشروع و بلکه لازم می‌نماید.

۴-۲-۴. آیه ۴۰ حجّ

«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبُيُوعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حجّ: ۴۰)؛ یعنی «کسانی که به ناحق از دیارشان رانده شدند، جز آن که می‌گفتند پروردگار ما خداوند [یکتا] است و چنانچه خداوند [شرّاً] بعضی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، بی‌شک [بسیاری از] صوامع و کلیساها، کنش‌ها و مساجدی که ذکر اسم خداوند فراوان در آن‌ها صورت می‌گیرد نابود می‌شد و خداوند به یاری کسانی می‌پردازد که [دین] او را یاری می‌نمایند، همانا خداوند شکست‌ناپذیر و عزیز است.» شأن نزول آیه مربوط به مرحله تازه‌ای از رویارویی مسلمانان مظلوم نخستین است که به دلیل تبری



از کفر و شرک و ایمان به خداوند متعال از مکه اخراج شدند؛ حتی کفار، مسلمانان را آنقدر آزار و اذیت می‌نمودند که ایشان از شدت شکنجه‌ها و رنج وارده مجبور به ترک دیارشان می‌شدند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۳۸۴/۱۴). آیه مذکور که آن را به‌عنوان اولین آیه در باب جهاد بیان نموده‌اند (واحدی، ۱۴۱۵، ۷۳۵/۲)، به دلالت التزامی و یا مفهوم اولویت بر لزوم دفاع از بیضه الاسلام (کیان دین) اشاره دارد و افزون بر آن وجوب دفع ستمگران و دور نمودن آنان از آزار مسلمانان را می‌رساند. استظهار از آیه و تفاسیر می‌توان اذعان کرد، دفاع و مقابله با دشمنان دین و کسانی که مسلمانان مقاوم را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند از اوامر شرعی مولوی است که توسط شارع مقدس تشریع شده است.

۵-۲-۴. آیه ۳۰ فصلت

متن آیه به این شرح است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ یعنی «همانا کسانی که گفتند پروردگار ما الله است و بر این گفته خود استقامت کرده [ایستادند] بر ایشان ملائکه نازل شده و [بشارت می‌دهند] نترسید و اندوهگین نشوید و بشارت باد شما را به بهشتی که [انبیای الهی] وعده دادند.» واژه «استقاموا» را لغت‌شناسان به صورت‌های مختلف تفسیر شده است؛ چنان‌که برخی آن را به معنی «اعتدال در امر» و ملازم با وسط راه حرکت کردن، دانسته‌اند (سعدی، ۱۴۰۸، ۳۰۹؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۱۴۵/۶) و برخی معنی «طریقی که صورت خط مستقیم ترسیم شده» معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۹۲). در تفاسیر وارده نیز معانی از این دست به چشم می‌خورد (طوسی، بی‌تا، ۱۲۳/۹؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ۳۸۹/۱۷). این واژه و مشتقات آن ۴۷ مرتبه در قرآن کریم استعمال شده است. رهبر انقلاب اسلامی ایران آیت‌الله خامنه‌ای نیز با اشاره به آیه مذکور از واژه «استقاموا» به بیان دو تفسیر پرداخته‌اند؛ یکی این‌که راه مقابله با حزن و خوف، استقامت و پایداری است و دیگری، برای انقلابی ماندن و تقوای الهی داشتن باید در برابر وسوسه‌های شیطانی، شهوت و مناصب به‌وسیله مراقبه و تقوای الهی استقامت نمود.^۱ بر این سامان، باید استقامت و ایستادگی در مسیر حق و ایمان

1. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=41&npt=7&aya=30>

را به‌عنوان شاکله اصلی یک مسلمان در جهت دفاع از عقاید برشمرده؛ به عبارتی ارزش و اعتبار استقامت در معیت ایمان است و آلاً به‌تنهایی فاقد ارزش است. آیه شریفه ۱۳ سوره مبارکه احقاف «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، مشابه با آیه ۳۰ فصلت است؛ به همین منظور از بیان آن صرف‌نظر می‌کنیم. در تحلیل دو آیه مورد نظر با بهره‌مندی از بیانات رهبری معظم انقلاب اسلامی باید بیان داشت راه مقابله ناملازمات در مسیر حق و دفاع از مستضعفان و اساس دین الهی، استقامت و تقوای الهی است.

۶-۲-۴. آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ هود

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (۱۱۲) وَ لَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (۱۱۳)، ترجمه این دو آیه به این صورت است که: «پس آن‌گونه که مأمور شده‌ای [و فرمان یافته‌ای] استقامت پیشه کن و کسانی که با تو [در این مسیر] همراه‌اند [باید استقامت کنند] و [نسبت به حدود الهی] طغیان و سرکشی نکنید، زیرا خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست * و هرگز به آنان که ظلم می‌کنند تکیه نکنید [و با ایشان دست دوستی ندهید]، زیرا آتش [که کیفر آنان است] شما را [نیز] فرامی‌گیرد و جز خداوند برای شما [در آن وضعیت] ولی و سرپرستی نیست و [این باعث می‌شود] هیچ یآوری نداشته باشید [چون به کسی غیر از خداوند اتکا نموده‌اید]». آیات مورد نظر اشاره به لزوم استقامت و شناسایی آن به‌عنوان یک حکم مولوی شرعی دارد. علامه طباطبائی در تفسیر «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ» با اشاره به مفهوم شناسی راغب اصفهانی از «فاستقم» و این‌که واژه‌های قام، تَبَّتْ وَ رَكَزَ در یک معنا بکار رفته‌اند، بیان می‌دارد که مراد از این بخش از آیه این است که بر دین مطابق با دستوراتی که به‌وسیله وحی دریافت نموده‌ای ثابت باش و استقامت کن؛ ایشان مقصود از دستور را آیاتی از قبیل «وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَ لَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یونس: ۱۰۵) و دیگر آیات مشابه مانند آیه ۳۰ سوره مبارکه روم دانسته است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۴۷/۱۱). مراد از آیه ۱۰۵ یونس آن است که بر آیین یکتاپرستی [استوار] باش و هرگز به سمت آیین مشرکان که پرستش غیر خداوند یگانه است، نرو. شیخ طوسی نیز در تفسیر آیه مقصود از عبارت «وَلَا تَطْغَوْا» را عدم سرکشی از



استقامت می‌داند و در تفهیم استقامت در آیه اشاره می‌کند که مراد از آن هر چیزی است که به خداوند و رسولش برمی‌گردد (شیخ طوسی، بی‌تا، ۶/۷۷)؛ بنابراین استقامت و پایداری برای حفظ ارزش‌ها و دفاع از دین موجب می‌شود که غیر از خداوند را به‌عنوان تکیه‌گاه در جهت زدودن خوف و ناملایمات گرفته نشود. چه‌بسا اتکا به ستمکاران و پشت‌گرمی به آنان را در شمار مظاهر کفر و خروج از دین قرار داد، زیرا در این حالت شخص از محدوده دستورات الهی خارج شده و برای رسیدن به خواسته‌هایش از دستور الهی که استقامت است بیرون رفته است. به عبارتی از آیه، لزوم دفاع از اساس دین و استقامت در امتثال دستورات الهی که از سبیل وحی وارد شده است، استفاده می‌شود؛ چه عدم اهتمام به این مهم ممکن است موجب اضمحلال دین شود و رفته‌رفته بی‌توجهی به اتیان اوامر الهی تبدیل به یک امر عادی شود.

۷-۲-۴. سایر آیات مرتبط

با توجه فراوانی آیاتی که می‌توان از آن‌ها در جهت رسیدن به هدف مورد نظر یعنی شناسایی آیات متناسب با حق بر مقاومت استفاده نمود، به تفسیر موارد فوق‌الذکر اکتفا نموده و در این مبحث به تعداد دیگری از آیات مورد نظر اشاره می‌نماییم. از دیگر آیاتی که به‌عنوان ادله استنباط «حق بر مقاومت» قابل شناسایی هستند می‌توان به آیات ۱۶ جن، ۸ انفال، ۱۴ ابراهیم، ۱۵۲ و ۱۸۶ و ۲۰۰ آل عمران، ۱۱۰ نحل، ۱۷ لقمان، ۴ ممتحنه و مانند آن اشاره نمود. این آیات و بیشتر را می‌توان با اشاره به تفاسیر و تحلیل هر کدام، به‌عنوان مستند حق بر مقاومت قرار داد.

۸-۲-۴. جمع‌بندی آیات

با تأمل در آنچه گذشت، می‌توان بر بنیاد آیات به این نتیجه نائل آمد که آنچه دلالت بر جهاد چه دفاعی و چه ابتدایی دارد، اولاً می‌توان آن‌ها را در قالب وسیع‌تری به‌نام «جهاد ذبی» قرار داد؛ چه آن آیات درصدد بیان وظیفه امت اسلامی در حفظ کیان دین است؛ این مفهوم گاه در قالب سرزمین اسلامی تعریف می‌گردد و گاه نیز به دیگر شئون که تزلزل در آن و عدم مقاومت برای آن منتج به اضمحلال و از بین رفتن تدریجی دین می‌شود، برمی‌گردد. در بیان

مقصود از شئون دیگر می‌توان به نمونه‌هایی مانند دفاع از مستضعفین و مقابله با مستکبران اشاره نمود؛ چنان‌که دفاع از فلسطین اشغالی در این قسم می‌گنجد و علاوه بر آن شامل دفاع از بخشی از سرزمین اسلامی که توسط دشمن غاصب مورد تجاوز واقع شده نیز می‌گردد؛ بنابراین بسیاری از شئون دفاع از بیضه الاسلام را می‌توان در مسئله فلسطین یافت. بر این سامان باید اذعان نمود فقه مقاومت و به عبارتی «حق بر مقاومت» درصدد بیان آن است که باید هر جا نسبت به «اساس دین» احساس خطر شود، برای رفع آن استقامت نمود و این استقامت گاه در قالب عملیات نظامی، فرهنگی، رسانه‌ای، اقدامات مقاومتی منفی از قبیل تحریم محصولات دشمن و آنچه مربوط به دشمن است، تعریف می‌گردد. احساس خطر نسبت به کیان دین نیز در قالب‌های مختلفی از جمله اشغال بخشی از سرزمین اسلامی، آزار و اذیت مسلمانان و مستضعفان عالم، خوف تسلط کفر بر سرزمین اسلامی و مانند آن نمود پیدا می‌کند.

۳-۴. روایات

تتبع در روایات برای یافتن ادله‌ای در مشروعیت حق بر مقاومت مشخص می‌نماید که می‌توان در این باب احادیث را در چند دسته قرار داد؛ برخی از روایات مبین لزوم دفاع از مسلمانی که مظلوم واقع شده هستند و عدم ترتیب اثر دادن به آن را با عبارت «فلیسَ منَ المسلمین» قرار داده‌اند؛ با تمسک به این دسته روایات می‌توان لزوم دُبّ از مسلمان مظلوم را یک حکم مولوی شرعی قرار داد. برخی دیگر از روایات مانند خطبه امام حسین (ع) در منطقه «بیضه» برای لشکریان خود و حرّ بن یزد ریاحی ایراد کردند، نشان‌گر لزوم دفاع از اساس دین و مقابله با حاکم جائز و ستمکار است؛ از این دسته روایات نیز به قیاس اولویت که جواز آن مورد اجماع فقیهان امامیه قرار دارد، می‌توان به شناسایی مشروعیت «حق بر مقاومت» دست یافت. در ادامه ابتدا به روایات مرتبط با دسته نخست و پس از آن به روایات دسته دیگر اشاره می‌نماییم.



۱-۳-۴. روایات لزوم دفاع از مظلوم

در روایاتی که کلینی با عنوان لزوم اهتمام به امور مسلمانان (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۷/۳) و حرّعاملی با عنوان «بَابُ وَجُوبِ الْإِهْتِمَامِ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ» از آن یاد کرده (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۳۳۶) که نشان‌دهنده فتوای وی به این امر است، چند روایت با مضامین یکسان مشاهده می‌گردد. یک روایت به این صورت است که علی بن ابراهیم از پدرش او از نوفلی، او از سکونی و او از امام صادق (ع) روایت می‌کند که حضرت فرمود: «هرکس صبح کند [کنایه از این که در طول شبانه‌روز] و به امور مسلمانان واقعی ننهد، پس مسلمان نیست»^۱ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۷/۴) چنان‌که پیداست این روایت دربردارنده وجوب یاری مسلمانان را می‌رساند. کلینی قریب به همین روایت را با سلسله سندی متفاوت از محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی از ابن محبوب از محمد بن قاسمی هاشمی و او از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «هرکه به امور مسلمین همت نگمارد، مسلمان نیست»^۲ (همو، ۱۸/۳). روایاتی با مضامین دو روایت فوق در الکافی وسایل الشیعه به چشم می‌خورد که افزون بر جملات مذکور، عبارات دیگری نیز را نیز به‌همراه دارد؛ چنان‌که سلیمان به سماعه از عمرویش عاصم کوزی نقل می‌کند که امام صادق از قول پیامبر خدا (ص) فرمود: «هرکه صبح کند و به امور مسلمانان واقعی نگذارد از آنان نیست و هرکس صدای مردی را بشنود که فریاد کشد [ای] مسلمانان به فریادم برسید و او را [برای کمک‌رسانی بدو] اجابت نمایید، پس در جرگه مسلمانان قرار ندارد»^۳ (کلینی، ۱۴۲۹، ۳/۳۱۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۶/۱۷۵؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹، ۱۶/۳۳۷) همین روایت را با اندکی تفاوت و با سندی متفاوت محدث نوری از پیامبر نقل می‌کند و تنها به‌جای «سَمِعَ رَجُلًا» از عبارت «شَهِدَ رَجُلًا ينادي»^۴ (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۲/۳۸۳) به‌کاررفته است. با

۱. «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

۲. «مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

۳. «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي: يَا لِّلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يَجِبْهُ، فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

۴. «أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ مَنْ شَهِدَ رَجُلًا ينادي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

توجه به رویه حرّعاملی که روایات را به ترتیب بر مبنای صحیح یا غیر صحیح بودن سند آن ذکر می‌کند و همچنین به سبب تعدد روایات مرتبط در این باب و شیوایی و بلاغت موجود در کلام منقول از قول معصوم^(ع)، به نظر می‌رسد به بررسی سندی آن احتیاجی نیست. صاحب جواهر از روایات این مبحث در باب وجوب دفاع بحث نموده است (نجفی اصفهانی، ۱۴۱۳، ۱۸/۲۱). وی معتقد است دفاع از اساس اسلام و جامعه اسلامی در برابر هجوم دشمن در زمان غیبت به منزله جهاد محسوب شده و در این زمینه این فقیه نامدار به اطلاق ادله استناد جسته است. «ظاهر غیر واحد کون الدفاع عن بیضة الاسلام مع هجوم العدو فی زمن الغیبة من الجهاد لاطلاق الادله» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۱: ۱۹). ظاهر ادله متعددی (از کتاب و سنت) دلالت بر این امر دارند که در عصر غیبت دفاع از کیان اسلام در زمانی که دشمنان به سرزمین‌های اسلامی هجوم آورده‌اند، در زمره جهاد محسوب می‌شود؛ زیرا مستندات باب از این جهت اطلاق دارند. همچنین وی در این زمینه چنین دیدگاه خود را اظهار داشته است: «اگر کفّار درصدد باشند با تجاوز به بلاد مسلمانان، اسلام را محو کرده و شعائر دینی را نابود کنند که نامی از شریعت اسلام باقی نماند، در این فرض هیچ شبهه‌ای در وجوب جهاد وجود نخواهد داشت» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۱: ۴۷).

۲-۳-۴. روایات لزوم دفاع از بیضة الاسلام

قرار دادن عاشورا و نهضت اباعبدالله الحسین^(ع)، به عنوان مظهر حق‌خواهی بر پایه مقاومت، امر دور از انتظاری نیست؛ چه این اقدام امام^(ع) پس از آن روی داد که حاکم جائز وقت یعنی یزید بن معاویه (علیه الهاویه) سعی در دگرگون ساختن و از بین بردن اسلام ناب محمدی^(ص) داشت. برخی از فقیهان معاصر نیز تنها راه توجیه فقهی حرکت و قیام امام حسین^(ع) را بر پایه مقاومت و استناد به جهاد ذبی که در ذیل فقه‌المقاومت قرار می‌گیرد، قابل بررسی می‌داند.^۱ برای اثبات مدعا می‌توان به سراغ روایت طبری به نقل از ابی مخنف رفت که به بیان خطبه حضرت اباعبدالله^(ع) برای لشکریان خود و فرمانده لشکر شام حرّ بن یزید ریاحی می‌پردازد. امام^(ع) بعد از حمد و ستایش خداوند و رسولش^(ص) به نقل روایتی

1. <https://fazellankarani.com/persian/lecture/۲۵۳۱۰/>



از پیامبر می‌پردازند که فرمود: «از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: هر آنکه سلطان ستمکاری را ببیند که حرام الهی را حلال می‌کند و به نقض عهد الهی و مخالفت با سنت رسول خدا (ص) و در بین بندگان خدا به تجاوزگری و (ترویج) گناه و عدوان می‌پردازد، سپس در مقابل او اقدام (به قیام کند) یا سخنی نگوید، خداوند او را در مکانی داخل کند (آتش جهنم) که شایسته آن است، [خطاب امام به تمامی حاضرین در منطقه بیضه در معرفی بنی‌امیه] تحقیقاً آگاه باشید که این قوم (بنی‌امیه)، به اطاعت از شیطان پایبندند و از اطاعت خداوند رحمان روی گردانند، فساد را آشکار کرده و حدود الهی را تعطیل نموده‌اند و بیت‌المال مسلمین را به انحصار خود درآورده‌اند و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام نموده‌اند.^۱ سپس امام (ع) با معرفی خود به این صورت می‌پردازد: «فَأَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ وَأَهْلِي مَعَ أَهْلِكُمْ، فَلَكُمْ فِي أَسْوَأَ...» پس از آن امام خود را سزاوارترین افراد به جهت قرابت با رسول‌الله (ص) برای تغییر اوضاع معرفی می‌نماید «وَإِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ لِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ». با تدقیق در روایت و تنقیح مناط دلیل قیام امام حسین (ع) برای دفاع از کیان اسلام همراه با خانواده اعم از زن و کودک، روشن می‌گردد که دلیل آن در خطر دیدن کیان و اساس دین جدش رسول‌الله (ص) بوده است. به عبارتی قیام امام حسین را می‌توان مظهر حق بر مقاومت دانست؛ چنان‌که امام (ع) قیام و ذب عن الاسلام را به سبب وجود خطر نابودی کیان دین بر خود واجب دید و همراه با زن و کودک برای دفاع از دین به پا خواست. بنابراین مبنای نهضت عاشورا محافظت از اسلام در مقابل فتنه‌ها و بدعت‌هایی که توسط حکومت یزید ایجاد گشته بود صورت گرفت (حسینی‌خواه و خسروی، ۱۴۰۱، ۹۳) و منظور از عبارت امام (ع) که هدف قیامش را امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کند، در معنایی که در ابواب فقهی به صورت جزئی بحث شده است، نیست بلکه مراد «اصل دین» است، چه هیچ معروفی بزرگ‌تر از «احیای دین» و هیچ منکری بالاتر

۱. «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِرًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، ثُمَّ لَمْ يَغْيَرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزَمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ تَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ الرَّحْمَنِ وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ وَعَطَلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَأَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرَّمُوا حَلَالَه» (طبری، ۱۳۸۷، ۴۰۳/۵).

از «نابودی آن» نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۴: ۷-۱۰). فقیهان نیز به مضمون این روایت در وجوب مطلق جهاد دفاعی استناد داده‌اند (منتظری، ۱۴۰۹، ۱۲۱/۱). برخی نیز در بررسی بُعد سیاسی حج با اشاره به مضمون روایت فوق و رها کردن اعمال حج توسط امام حسین (ع) به‌منظور هدفی بزرگ‌تر یعنی جلوگیری از نابودی اساس دین، با ایستادگی در مقابل حاکم جائر و انزجار از آن‌ها توسط امام (ع) مورد بررسی قرار داده‌اند (جوادی آملی، ۱۴۰۴، ۱۶۴).

۴-۴. بنای عقلا

مقصود از بنای عقلا عبارت است از سلوک و روش عملی عقلای عالم بر انجام یا عدم انجام امری بدون دخالت و تأثیرگذاری عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و سایر عوامل است (مظفر، ۱۳۸۵، ۱۵۳/۲). به عبارتی، مراد از آن سیره‌ای است که منشأ آن فطرت و ارتکاز انسان‌ها فارغ از مبادی دیگر باشد (نائینی، ۱۳۷۶، ۱۹۲/۳؛ عراقی، ۱۴۱۷، ۲۴۱/۴). با توجه به این تعریف، استناد به بنای عقلا به‌عنوان یک مبنا در جهت مشروعیت حق بر مقاومت امری بدیهی است؛ چه عقلای عالم فطرتاً فارغ از مسلمان و غیرمسلمان بر لزوم استقامت در برابر اشغالگران، ستمکاران و هر آنچه موجب استضعاف می‌گردد، صحه می‌گذارند؛ در اثبات این مدعا می‌توان به انزجار عموم مردم آزاده جهان فارغ از هر آیینی نسبت به اقدامات غاصبانه و ددمنشانه اسرائیل و حمایت از مردم ستم‌دیده فلسطین اشاره کرد.

۴-۵. مقاصد و مذاق شریعت

منظور از «مقاصد شریعت»، اهداف و فوایدی است که به‌طور کلی از وضع شریعت و به‌صورت جزئی‌تر از وضع احکام مورد انتظار است (فاسی، ۱۹۹۳، ۷). به بیانی دیگر مقاصد شریعت غایاتی است که احکام شریعت با هدف تحقق آن‌ها وضع شده است؛ بنابراین مقاصد شریعت، تجسم مراد و هدف خداوند از تکالیفی است که متوجه بندگان خود کرده است؛ از این‌رو این مقاصد به‌مثابه میوه درخت شریعت‌اند (مرادی، ۱۳۸۵، ۵). هرچند در خود عنوان «مقاصد شریعت» و به عبارتی در چیستی و حجیت آن در فقه امامیه سخن بسیار است (ایازی، ۱۳۸۹، ۳۵) و ظاهراً پیشینه این اصطلاح و به‌کارگیری آن به فقه عامه بازمی‌گردد (غزالی، ۱۱۱۹، ۲۸۶/۱؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ۲۵/۲)، لکن پیش‌فرض نوشتار حاضر این است که



در پرتو کشف و استخراج و عنایت به مقاصد شریعت می‌توان حکم بسیاری از مسائل فقهی را به دست آورد و به‌عنوان یک میزان، احکام شرعی موجود در شریعت را بدان عرضه نموده و حجیت آن‌ها را با محک مقاصد شریعت مورد ارزیابی قرار داد؛ همچنان که فقیهان امامی نیز هرچند عین این اصطلاح را به‌کار نبرده‌اند، اما برخی از ایشان بدین مفهوم توجه داشته و در استنباط احکام آن را به‌کار گرفته‌اند (شوشتری و ناصری مقدم، ۱۳۹۴، ۱۰۲ وکیل‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۱۲). از نگاه برخی از اندیشوران، مقاصد یا مصالح ضروری در احکام شرعی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: نفس، دین، عقل، نسل و مال است (غزالی، ۱۱۱۹، ۱/۱۷۴). آن‌گونه که پیش‌تر اشاره نمودیم «ذبّ عن الإسلام» یکی از مهم‌ترین مظاهر فقه مقاومت بوده که هدف آن حفاظت از کیان دین است. بر این سامان حق بر مقاومت به‌منظور ممانعت از نابودی دین آن چنان‌که از آیات و روایات که پیش‌تر گذشت برمی‌آید مهم‌ترین و بالاترین مقصد شریعت بوده، آن‌طور که اباعبدالله الحسین (ع) بدین منظور همراه اعضای خانواده‌اش با نیمه رها کردن اعمال حجّ به‌سوی دفاع از دین خدا و مقابله با کسانی رفت که درصدد از بین بردن دین بودند.

مقصود از «مذاق شریعت»، به آگاهی از راه و روش‌های شارع به‌وسیله حسّ گفته می‌شود؛ به عبارتی عبارت از کشف و دستیابی به شیوه قانون‌گذاری شرع انور و سنجش فتاوی با آن است (علیشاهی قلعه‌جوقی و ناصری مقدم، ۱۳۹۰، ۱۸۷). مذاق شریعت در اصطلاح به سبک و سیاق شارع در جعل احکام گفته می‌شود که فقیه با پی‌بردن به آن، توانایی فهم و درک حکم شرعی را پیدا می‌کند؛ زیرا این حکم را با روش شارع در آن باب و یا ابواب گوناگون سازگار می‌بیند. فقیهان از دیرباز برای روش، سبک و عادات شارع در جعل احکام ارزش فراوانی قائل بوده و فتاوی خود را با آن سنجیده‌اند؛ تا آنجا که اگر ادله‌ای، حکمی خاص را برتابیده‌اند ولی ایشان آن حکم را با مذاق شریعت ناسازگار دانسته‌اند، از آن ادله روی برگردانده و به حکم سازگار با روش شارع گرویده‌اند (علیشاهی، ۱۳۹۰، ۴۰). با توجه به آنکه شارع مقدس در بسیاری از آیات به لزوم مجاهده برای خارج نمودن مسلمانانی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند فرمان داده (نساء: ۷۵) و یا به دلایل گوناگون که در آیات قرآن فراوان به

چشم می‌خورد حکم به جهاد و دفاع داده است، با تنقیح منای اصولی یا قیاس اولویت می‌توان مشروعیت حق بر دفاع را از مواردی دانست که با مذاق شارع مقدس سازگار بوده و قابل اثبات است.

۵. نتیجه‌گیری

با تکیه بر آنچه گذشت، در منابع استنباط احکام شرعی به‌ویژه قرآن، فراوان می‌توان انگاره‌های روشنی از حق بر مقاومت را رؤیت نمود؛ چنان‌که از مصادیقی همچون وجوب دفاع از مسلمانانی که مورد ظلم مشرکان مکه واقع شدند یا لزوم استقامت و پایداری در برابر مفسدان و مستکبران و مقاتله با آنها، این معنا قابل استنباط است. همچنین با تنقیح منای اصولی می‌توان دلیل این دستور را آن‌گونه که از آیه ۲۵۰ و ۲۵۱ سوره مبارکه بقره و دیگر آیات استظهار می‌گردد، به فساد کشیدن سرزمین‌های اسلامی و از بین بردن حرث و نسل مسلمانان و در نهایت نابود ساختن دین توسط مشرکان و ظالمان دانست. شاهد عینی مدعی پژوهش قیام امام حسین در مقابل حاکم جائز آن زمان یعنی یزید است. اهمیت این بحث نیز از نیمه‌تمام رها کردن اعمال حج توسط امام (ع) برای مقابله با یزید و حرکت همراه با اهل و عیال قابل ادراک است؛ چه این حرکت به اهمیت مقاومت در برابر جائز و کسی که درصدد ضربه زدن به اساس دین است، می‌پردازد. افزون بر این مقاصد شریعت با توجه به احکام و تکالیف کلی و جزئی که توسط شارع مقدس وضع شده، با حق مقاومت برای حفظ اساس دین و ممانعت از نابودی آن سازگار بوده و می‌توان برای حجیت آن بدان تمسک نمود. همچنین مذاق شریعت که همان سیاق شارع در جعل احکام بوده و فقیه با شناسایی آن به درک حکم شرع پی می‌برد، مؤید آن است که حق پنداشتن مقاومت با توجه به آنکه در بسیاری از احکام مولوی شرعی که از شارع صادر شده به قیاس اولویت مشروع و سازگار با طبع و مذاق شریعت است.



فهرست منابع

قرآن کریم

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (بی تا)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دار الکتاب العربی - لبنان.

ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸)، *احکام القرآن*، بیروت: دارالجليل.

احمد بن فارس (۱۴۰۴)، *معجم مقانیس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ایازی، محمد علی (۱۳۸۶)، *ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بهشتی، سیدمحمد حسینی (۱۳۸۶)، *حق و باطل از دیدگاه قرآن* (به انضمام «تسلیم حق بودن»)، تهران: نشر بقیعه.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵)، *احکام القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۴)، *خمس رسائل*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰)، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار العلم للملایین.

حبیب‌زاده، توکل (۱۳۹۵)، *«ابتنای مقاومت مردم فلسطین بر حق تعیین سرنوشت و تعهدات جامعه*

بین‌المللی در قبال آن»، مطالعات حقوق عمومی، ۴۶ (۴)، صص ۸۲۵-۸۵۴.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹) *وسایل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت (ع).

حسینی خواه، سیدجواد و خسروی، محمد (۱۴۰۱)، «نظریه جهاد ذّبی در اندیشه آیت‌الله

محمدجواد فاضل لنکرانی و نسبت آن با فقه مقاومت»، مطالعات فقه سیاست، ۲ (۴).

حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰)، *شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم*، بیروت: دارالفکر

المعاصر.

خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا)، *مصباح الفقاهه*، بی‌جا: بی‌نا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان-سوریه: دار العلم - الدار

الشامیه.

راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبه‌الله (۱۴۰۵)، *فقه القرآن*، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله

العظمی مرعشی نجفی (ره).

زبیدی، سید محمد (۱۴۱۴)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر

و التوزیع.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه*

التأویل، بیروت: دار الکتاب العربی.

زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷)، *الفائق فی غریب الحدیث*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

سبزواری، سید عبد‌الأعلی (۱۴۱۳)، *مهذب الأحکام*، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه‌الله.

سعدی، ابو جیب (۱۴۰۸)، *القاموس الفقهی لغّه و اصطلاحاً*، دمشق: دارالفکر.

سیدرضی، محمد (۱۴۱۴)، *نهج البلاغه علی (ع)*، قم: مؤسسه نهج البلاغه.

شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۲۲)، *الموافقات فی أصول الشریعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳)، *مسلك الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه

المعارف الإسلامیه.

شوشتری، مهدی؛ ناصری مقدم، حسین (۱۳۹۴)، «کارکرد مقاصد شریعت در توسعه و تعمیق فقه

امامیه»، پژوهش‌نامه امامیه، شماره ۱، صص ۹۹-۱۱۴.



- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الکتاب.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲)، *تفسیر جوامع الجامع*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶)، *مجمع البحرین*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۷)، *نهایة الافکار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰)، *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل و ناصری مقدم، حسین، «چستی و کارکردهای مذاق شرع»، مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۴۳ (۱) (۸۶)، صص ۱۵۷-۱۹۳.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، *مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرایند استنباط احکام فقهی*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، *المستصفی فی علم الأصول*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فاسی، علال (۱۹۹۳ م)، *مقاصد الشریعة الاسلامیه و مکارمها*، بیروت: دارالغرب اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۴)، *جهاد ذبی (دفاع از کیان اسلام)*، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: منشورات دارالرضی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، *الکافی*، قم: دار الحديث للطباعة و النشر.

- کیان‌خواه، احسان (۱۳۹۹)، «تبیین شمول و کاربرد قاعده فقهی نفی سیل بر گسترش فضای سایبری»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰ (۴۰).
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البیت (ع).
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- مرادی، مجید (۱۳۸۵)، *جغرافیای مقاصد شریعت*، پگاه حوزه، ۲۰۰.
- مشکینی، میرزا علی (بی‌تا)، *مصطلحات الفقه*، بی‌جا: بی‌نا.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲)، *التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم*، تهران: مرکز کتاب للترجمة و النشر.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول فقه*، قم: انتشارات دارالفکر.
- منتظری نجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۰۹)، *دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الإسلامية*، قم: نشر تفکر.
- میرقادری، سیدفضل‌الله؛ کیانی، حسین (۱۳۹۱)، «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، مطالعات دینی متون اسلامی، ۱ (۱) (۱).
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *فوائد الاصول*، بی‌جا: بی‌نا.
- نجفی اصفهانی، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوریان، مهدی؛ سرخیل، بهنام (۱۳۹۸)، «اعتبار امنیت در سیاست‌گذاری عمومی حقوق جزایی اسلام»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۹ (۳۵).
- همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۲۰)، *حاشیه کتاب المکاسب*، قم: چاپخانه ستاره.
- واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵)، *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت: دارالقلم.
- وکیل زاده، رحیم (۱۳۸۸)، «مقاصد شریعت از دیدگاه شیخ محمدجواد مغنیه»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۶.

COPYRIGHTS

2025 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>